

روزنامه  
دوره چاپگری

# دریاکنار

نعت نظر هبت تحریر به

بندر بوشهر

شنبه ۱۹ مهر ۱۳۱۹ صفحه اول سال دوم

شماره ۴۹

## فرماندار شهر ستان بوشهر

الله اکبر! - الله اکبر!

ساحب منصب وزارت کشور که اکنون حد اکثر با ۹۰ می باشد فرانسوا را بنابر احتیاج حرف میزند و انگلیسی و روسی را هم گنمی میداند فرماندار بوشهر آقای فتح الله

رویکی از روزهای سال ۱۲۸۵ از صدای اذان بی موقبتکه از توی خانه عبدالصین خان واقعه در یکی از کوچه های شهر تبریز بلند شد بقال سرگذر و مسایه ما فیهی بندگان که

«بچه بد دنیا آمده است»

پس از آنکه نواده را شنیدند و فغان کردند پیش پدرش آورده پدر در گوش فرزند تکبیر گفت و او را و اذکاری قرائت کرد و با صوابی اهل بیت اسمش را فتح الله گذاشتند فتحی همیشه پارانوی «هفت» نهاد دستش را گرفته و او را روی نیکت وستان نشانند فتح الله کوچولو شاکرد و رنگ او فیهی ای از توی آب در آمی و با آنکه در خانه ، خانواده اش بزبان ترکی آذربایجانی صحبت میکردند فتح الله بغاوسی کپ میزد

مشهری شیخ محمد خیابانی برای ادامه تحصیلات عالی از تبریز به پایتخت رفت و وارد دانشکده کشاورزی کرج گردید

پس از طی دوره دانشکده در آبان ماه سال ۱۳۱۴ دوز وزارت کشور استعفاء شد و از آن تاریخ تا امروز بار از این وزارت خانه فرار نشده است فتح الله موفق آدم محافظه کاری است و بیسماق > جریه رو که گذرگاه مایه تکست پهل گیر که عمر عزیز بی بدل است در دوران زندگی خویش در هیچک از احزاب سیاسی کلوب ها و باشکاهای ورزشی تفریحی و اجتماعی اسم نویسی و هرکت نکرده است

### گفتار هبت

## بیایید متحد شویم

بیایید متحد شویم!

بیایید همه از فغان و فغان و افتراق و جدایی برداریم ما از بدولی بدگمانی و پراکندگی چه بده ایم؟! شمر بوشهر را سیاست بی گانه - دولت انگلستان خان و کدخدای مامور دولت - فرماندار و مأموران و قاجاقچی و رشوه خوار خراب نکرده است آنچه ما به خرابی و پورانی این بندر مسورگشته «فغان» است و بی بیایید متحد شویم! تا شاید از دست سقوط و اضلال شهر خود بدره فقر و مسکنت پناه چال چهل و عرض بگرداب بیچارگی و فلاکت بکاهیم در این شهر تفرین کرده بهداشت عمومی بسوجه سفر رسیده چهل و فقر نیش و چنگال خود را در جان مردم و تنبیت و زردبار این بندر فرو کرده بلکه نوع سرگردانی و بلا تکلیفی همراه با مریک تفریحی دو میان ما حکم فرما است بی کاری و کساد یاری سنگین و جانکاهی است که بردوش فرسوده ما فشار می آورد و ما را تهدید بچهره بیشتر بهشتی می کند در این میان چسب فرصت طلب استفاده جوفتح پرست که بضاطر دستمالی قیصر به آتش میزند در یک شهر دعوای سرحد و مرز و محله راه می اندازند بین مردم ساده شهر ما آتش فغان روشن می کنند ناپیشتر بوبرای این سرزمین فراموش شده گنگ کرده باخته

بیایید متحد شویم

دست دوستی و برادری بسوی یکدیگر دراز کنیم ، بیایید همه با هم در راه اتحاد و اتفاق در راه برادری و وفات قدم برداریم اغراض خصوصی کینه توزی و حساب هائی شخصی و فردی را کنار بگذاریم تا شاید ... آب رفته بجوی باز آید و بتوانیم با هم پیش یکدیگر برای اصلاح و عمران بندر بوشهر ویران و بیکار بکار بر آوریم

لوئیس آ. پورکامبتر

### بناست افتتاح آموزشگاهها

## اطفال را باید از همان کودکی جهت راهنمایی جامعه تربیت کرد

آموزش و پرورش در کشورهای متقدم امریکا و سایر کشورهای مترقی وارد مرحله جدیدی گشته است و کارشناسان فرهنگی می گویند باید روی اصول تعلیم و تربیتی جدید زندگی اطفال و جوانان - پروژ و با زندگی آنها وفق دهند و آنها را طوری بار بیارند که توانند وقتی وارد جامعه شدند افراد آرموده و مفیدی برای جامعه باشند

هنگامی که پستانلوسی و جهان - دینی مریضان بزرگ عالم فرهنگ روش های جدید تعلیم و تربیتی را وارد دوزندگی مردم ساخته تحولاتی در برنامه های آموزشی پیش آمده که روز بروز آنرا روش جلو سوق داده با استفاده از روشی آموزشی خود که هاگردان محیط مدرسه معلومات خود

وفات مرحومه مادر جناب آقای هکر الله مغوی نایبند سابق بوشهر در مجلس شورای ملی ایران و مدیر محترم روزنامه کوشش که از زنان غیر و نیکوکار بوده و آنجناب و کلیه غامیل و اقارب و بازمندان آمرسوم صمیمانه تسلیت عرض نموده و بقاء آنان را خواستاریم از طرف هبت تحریریه دیبا کنار عبدالصین زاهدی - سید صادق برداری - عبدالرحیم جعفری

و قته تشویبهای خشک و بی پایه بود یکی مولوف گروه بد و نعت نظر کارشناسان و مریبان جدید برنامه های بوقع اجرا گذاشته شد که از هر لحاظ برای تخریب جوانان و مجرب ساختن مردان فرامید و عملی بود یکی از کسانی که در این راه پیش قدم بود و زحمات زیادی تاکنون متحمل شده است خانم دورونی گور دون می باشد که هبیت خود را از ایزاد ۹۵۸

### از ملك الشعراء بهار

## داد از دست عوام

اوعوام است هر آن بد که رود بر اسلام دل من خون شد در آرزوی نیم دست جان بلب آمدو نشنید کم جان کلام سخن بهفته نگفتم که نگفتم هبت سوختم - سوختم اوسردی این مردم خام و آنچه پیشتر گفته است و در اولیست هسکی وحی منزل شمرند آنچه شنیده از مقام هسکی خفته و آسوده از نیکی و بدی چه توان کرد علی گفتم که (الناس پیام) بهوای نفسی جمله ناپایند نمود بطینت مکی جمله ناپایند قیام پیش خیل مقلان ابلهی و تیره ولی پیش سه مقلان غیورانه و عوام عاقل از بسله خواند بپوایش نچینه قول اگر قصد کند گردشوند از درو پام عاقل آنچه که صحرای بهار و زبان که در این قوم عقلست و نه تنگمونه نام پیش چه حال ز دانش برسراید سخن که حرامست حرامست حرامست حرام

از مشتری کین محترم که تاکنون در پرداخت حق ایونه سال اول روزنامه لعل و پاره اند تلاش داریم هر چه زودتر وجه ناچیز ایونه را پرداخت نموده و از این راه با دانه حیات و زبا کنار کشک نمایند

کاظم

## دوباره دوره تحصیلات فرا رسید و وزارت فرهنگ اقدام موثری برای تهیه کتب و برنامه

مدارس به عمل می آید

تا یکی دو هفته دیگر درپ مدارس بروی نهالان و دانش آموزان باز میشود و دوران تحصیلی سال جدید آغاز میگردد و دوره فعالیت و کوشش مصطلح فرا میرسد

چندماه گذشته و اگر حساب القانون برای امداد اعصاب و تقویت بنیه نکرد دانش آموزان دوره استراحت و تعطیل قرار داده اند دارای پایه فلسفه کل است که هدای علم ، تربیت برای پرورش روح و استعداد مصطلح و تقویت بکسال دیگر تحصیل مداوم لازم دانسته اند طرف این چندماه مصطلح باید قوای تعطیل رفته خود را بصحت آورند و من و انگار خود را برای درک و فهم مسائل و دروس همیشه از سال گذشته آماده کنند و خلاصه آنکه جسا و روحا مستعد برای بکسال تعلیم و تربیت شوند

آنهایکه در شرایط امروزی از وسائل زندگی بهره مندند باورن به بیلاقات و نقاط خوش آب هوا و کنار دریا ها و پناه برون به کوه پایه های سبز و خرم و استفاده از هوای آزاد ذخیره ای برای بکسال دیگر خود بدست می آورند و تا سال دیگر که دوران تعطیلات مدارس آغاز میشود روح نشاط و شوق از قیاد و ناسب آنها هویداست

ولی آن طبقه دیگر که شرایط و مقتضیات زندگی مجال اینکه عیار لال و اندوه از روح خود برآید و توشه ای از برای سال آتی تهیه کنند ندارند در کشاکش بکسال آتی همیشه روحا و جسا پژمرده و طلیل بنظر می رسند

پناه مدرس ۲



